

معرفی دستنویسهای آثار عید زاکانی

(۱)

مقدمه

در دوازده سال اخیر یکی از اشتغالات صاحب این قلم گردآوری دستنویسها و تصحیح و مقابله آثار عید زاکانیست و امیدوار است که در سال جاری میلادی یا سال آینده هجری شمسی آن را به چاپخانه بسپارد.

با این که کار تصحیح و مقابله آثار شاعر کم و بیش به پایان رسیده است، اما تهیه مقدمه و تنظیم یادداشتها و توضیحات و نیز فراهم آوردن فهرستهایی که کار مطالعه را بر خوانندگان آسان سازد نیز، کمتر از تهیه و تصحیح متن نیست و به کاری دقیق و دراز نیاز دارد.

از این روی نویسنده بر آن شد که پیش از چاپ و انتشار کتاب، بعضی فصلهای مقدمه را که خود می تواند به صورت مطالبی جداگانه تنظیم و چاپ شود و انتشار یابد، برای تسریع کار بدانها روی آورد و تا حد مقدور بدان صورت نهایی دهد.

یکی از این مباحث معرفی دستنویسهای متعدد کلیات عید یا بخشهایی از آن، و ارزیابی هر یک از آنها از نظر علمی و تعیین میزان صحت و دقت و اعتبار آنهاست. در ضمن گفتگو با جناب مدیر محترم مجله ایران شناسی ایشان موافقت فرمودند که این بخش، یا دیگر مطالبی که با ویرایش و تصحیح دیوان عید ارتباط می یابد به تدریج در مجله ایران شناسی انتشار یابد.

پیش از معرفی نسخه های خطی آثار عید زاکانی، نخست بعضی کلیات مربوط

به دستنویسهای عید و ویژگیها و ارزش علمی و ادبی آنها را بررسی می‌کنیم:

به‌طور کلی دستنویس‌های آثار عید به دو گروه تقسیم می‌شوند: نخست گروهی که به دست کاتبان ایرانی و کسانی که فارسی زبان مادری ایشان بوده نوشته شده و گروه دیگر نسخه‌هایی که کاتب آن به دست کاتبان غیرایرانی، کسانی که فارسی و عربی بسیار کم می‌دانسته یا هیچ نمی‌دانسته‌اند تحریر شده است. چون بخشی از آثار نظم و نثر عید هزل‌آمیز است ایرانیان و فارسی‌زبانان در نگهداری آن پروا می‌کردند. و اگر نسخه‌ای از آن می‌داشته‌اند آن را در جایی مطمئن و دور از انظار محافظت می‌کرده‌اند تا از یک‌سو موجب بروز دردسرهای تکفیر و تعزیر و مانند آن نشود و از سوی دیگر کتاب از دسترس نامحرمان و کسانی که از نظر تربیتی مطالعه این گونه آثار برای آنان ممنوع است (مانند زنان و دختران جوان شوی‌ناکرده و کودکان) دور بماند.

اما در کشورهای غیر فارسی‌زبان (و در رأس آنها آسیای صغیر و مصر) فقط فضلا و مردم فرهیخته با زبان فارسی آشنایی داشتند و در هر حال فارسی‌زبانی بیگانه شمرده می‌شد و جوانان و زنان و دختران و مردم عادی، حتی افراد باسوادی که تحصیلات عالی نکرده و به فارسی آشنایی نداشتند از مطالعه آن چیزی نمی‌فهمیدند و از همین روی نگاهداری دیوان در جزء کتابهای کتابخانه‌های شخصی و حتی عمومی کاری دور از احتیاط شمرده نمی‌شد. از همین روی نسخه‌های بسیار از روی این کتاب به دست کاتبان بومی نوشته شده یا دستنویسهای کار کاتبان ایرانی — البته به بهایی گراتر — خریداری و آشکارا در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شد.

از همین روی دستنویسهای عید از هر دو نوع در کشورهایمانند مصر و ترکیه (آسیای صغیر) و هند و پاکستان کم نیست و بخشی از آنها از این کشورها به کتابخانه‌های عمومی کشورهای اروپایی راه یافته است. به‌عنوان نمونه دستنویسهای کار کاتبان ایرانی می‌توان از نسخه‌های تاجیکستان (قدیمتر از همه)، نسخه مورخ ۸۱۷ هـ. ق.، نسخه موزه بریتانیا به‌نشانه Or. 11230 که پس از دستنویس تاجیکستان قدیمترین نسخه است، دستنویس محفوظ در کتابخانه ملی پاریس، مورخ ۸۲۴ هـ. ق. (که از نظر قدمت در مقام سوم و از لحاظ صحت و دقت در مرتبه اول است)، نسخه محفوظ در دارالکتب مصر، و دستنویس کتابخانه سلیمانیه در ترکیه فعلی نام برد.

نمونه دستنویسهای تحریر شده به دست کاتبان غیرفارسی‌زبان نیز عبارتند از سه نسخه محفوظ در موزه بریتانیا به‌نشانه‌های Or. 6303 و Or. 2947 و Or. 5738 و نسخه خطی محفوظ در کتابخانه ملی وینه (اتریش) به‌نشانه N. F. 117 (شماره 567 در

فهرست فلوگل (FLUGEL) که هریک به جای خود معرفی خواهند شد.

۱- دستنویس تاجیکستان (ت)

قدیم‌ترین نسخه بخشی از آثار عید در حاشیه قسمتی از دستنویس شماره ۵۵۵ محفوظ در «کتابخانه دستخطهای شرقی آکادمی علوم تاجیکستان» مندرج است. این نسخه امروز در میان اهل فضل و ادب شهرتی به کمال دارد زیرا علاوه بر دارا بودن قدیم‌ترین دستنویس عید، چهل و یک غزل و دو قطعه از خواجه شیراز نیز در اوست که تا امروز کهن‌ترین مجموعه قسمتی از غزلهای حافظ شناخته شده و تاریخ تحریر آن سال ۸۰۷ هـ. ق. است.

نسخه مذکور، با وجود داشتن نام و آوازه فراوان هنوز به دقت و درستی معرفی نشده است. این نسخه را آقای ایرج افشار در گفتاری از آن دست که مردی چون او با تجربه بيماند و اطلاع وسیعی که در کار خویش دارد معرفی و مندرجات آن را در ذیل چهل عنوان معرفی فرموده است که از شماره ۲۰ تا ۳۱ آن مربوط به آثار عید زاکانی، به شرح زیر است*:

۲۰- دیوان مولانا عید زاکانی (۴۶ب - ۶۵الف): تمت القوائد من دیوان مولانا عید زاکانی غفرالله ذنوبه فی سابع شعبان المعظم لسنه سبع و ثمانمائه؛ ۲۱- مقطعات من دیوان عید زاکانی (۶۵ب - ۷۱الف)؛ ۲۲- کتاب غزلیات من دیوان مولانا عید زاکانی - بخشی از قطعه‌ها و رباعیات جدی نیز در ذیل غزلیات آمده (۷۱ب - ۸۲الف)؛ ۲۳- کتاب عشاق‌نامه من دیوان عید زاکانی (۸۲ب - ۹۴ب)؛ ۲۴- وله فی الترجیع و از پی آن تضمینها، قطعه‌ها و رباعیهای هزل (۹۴ب - ۱۰۱ب)؛ ۲۵- کتاب اخلاق الاشراف من دیوان المولی عید زاکانی (۱۰۲ب - ۱۱۲الف)؛ ۲۶- رساله ریش من دیوان عید زاکانی (۱۱۲ب - ۱۱۶الف)؛ ۲۷- کتاب ده فصل از دیوان مولانا عید (۱۱۶ب - ۱۱۸ب)؛ ۲۸- کتاب پندنامه المعروف صد پند من دیوان المولی السعید ناصرالدین عید زاکانی - ناقص. (۱۱۹ب - ۱۲۰ب)؛ ۲۹- رساله دلگشا - آغاز این رساله در صفحات گمشده مجموعه بوده و در این جا از وسط حکایت ۵۸ آغاز شده است (۱۲۱الف - ۱۲۶ب)؛ ۳۰- مکتوب قلندران (۱۲۶ب - ۱۲۷الف)؛ ۳۱- دنباله رساله دلگشا که با این رقم پایان می‌پذیرد: تم‌الديوان المولى الصاحب الاعظم ناصرالدین عید زاکانی غفرالله ذنوبه فی عشر اوائل شهر شوال ختم باليمن و الاقبال سنة سبع و ثمان مائة هلالیه... حرره العبد الضعیف ابراهیم بن عبدالله بن عمر الحافظ المعلم ابرقوهی غفرالله ذنوبه و صلح

ولذکر الله اعلى وبالقدر المبرور

خیر مقدم آید به اینر خلعت مشیدور
 در میان شاه آدم ز رفت خورشید و اند
 قطعه بر کار قطرت غایت در مجید
 مرکز انسان در رفت قطب آرد و ز غنر
 ساه دایره کیهان آفتاب شرق و غرب
 شاه سلطان بن سلطان باد شاه محروم
 در این عالم چه کشت و غم در این زوال و روز
 در این چه معنی با یکدیگر و با طلع ترا
 از تو کرد و ماه کشت و سرافق بر بند
 وز تو افروید غیر و تنه با قدر و غنر
 پس با جودت در عالم های جز تو
 را که دارد سمرقانات و دولت زیر بر
 از این رحمت قدر در من اشک عالم با
 آب تنگت کبیر از غنای ز آید بر
 از او سیه لطف تو بر سر او شد
 آسمانش مارکی خورشید و ماه سارده مغر
 از تو بر زده که دلش حشم جان سوزد و نفس بند
 روزگارش نمود و سر او در تو و در تو آستر
 از تو بر زده که دلش حشم جان سوزد و نفس بند
 روزگارش نمود و سر او در تو و در تو آستر
 از تو بر زده که دلش حشم جان سوزد و نفس بند
 روزگارش نمود و سر او در تو و در تو آستر



۱ - نسخه تاجیکستان (ت). صفحه اول دیوان عید (در حاشیه)

حاله فی الدارین (۱۲۱ب).

نسخه تاجیکستان با وجود نفاست و اهمیت و اعتباری که به عنوان قدیمترین دستنویس آثار عید و نوشته شدن به دست کاتبی فارسی زبان داراست، از نقصهای مهم و فراوان نیز خالی نیست. نخستین نقص آن این که تمام این آثار در حاشیه کمتر از ۹۱ برگ مجموعه شماره ۵۵۵ نوشته شده و معمولاً جای وسیع و اصلی هر صفحه به متن کتاب اختصاص داده می شود، و متن همواره به علت داشتن جای گشاده، روشنتر و بهتر نوشته می شود و چون جای حاشیه محدود و دارای جهت های گوناگون است کاتب اجبار دارد به هر نحو که هست مطالب را در آن بگنجانند. آنها را ریزتر می نویسد و در نتیجه ناخوانا تر از آب در می آید. از این گذشته نخستین آسیبها و فرسودگیهایی که کتاب بدان دچار می شود در حاشیه اثر می گذارد و متن از آن سالم می ماند.

آنچه مذکور افتاد، دقیقاً در مورد قدیمترین دستنویس عید صدق می کند و گاه مطالب آن در حاشیه طوری ریز و ناخوانا نوشته شده که اگر نسخه های دیگر به داد مطالعه کننده نرسد مطلقاً خواندن آن امکان پذیر نیست و این مشکل در مورد مطالبی که منحصرأ در این نسخه آمده بیشتر موجب زحمت می شود.

نقص دوم این نسخه افتادگیهایی است که در کل کتاب راه یافته و حاشیه را نیز بی نصیب نگذاشته است. افتادگی بزرگ این نسخه (در آن بخش که به آثار عید مربوط است) میان برگهای ۱۲۰ و ۱۲۱ روی داده. به درستی نمی دانیم از این میان چند برگ ساقط شده اما دو ثلث رساله صدپند، مقدمه رساله دلگشا، بخش حکایتهای عربی (اگر نسخه این بخش را می داشته) و نزدیک ربع حکایات فارسی رساله دلگشا از میان رفته است.

نقص سوم آن است که کاتب گرچه مرد فاضلی بوده و خطی خوش (که گاه بسیار خوانا نیست) داشته، اما یا در تحریر دقت کافی به کار نبسته یا نسخه ای که از روی آن استنساخ می کرده بسیار صحیح و معتبر نبوده، چندان که در بسیار موارد ضبط نسخه های دیگر و جدیدتر (به ویژه نسخه پاریس) و حتی گاهی ضبط نسخه های نوشته شده به دست کاتبان غیر فارسی زبان را می توان از آن برتر نهاد. البته تا آن جا که مقدر بوده، کوشش شده است که ضبط این نسخه در متن بیاید اما جاهایی که ضبط دیگر نسخه ها بر آن رجحان قطعی داشته باشد چه می توان کرد؟

علاوه بر این بسیاری از اجزاء بعضی قسمتها (قصیده ها، غزلها، قطعه ها و غیره) در این نسخه نیامده است. بنده به تفصیل آنچه را که در این دفتر نیامده یادداشت نکرده ام،

اما برای آن که مأخذی برای مقایسه این نسخه با نسخه‌ها به دست آید اندازه و تعداد برگهای بعضی دستنویسهای دیگر را به دست می‌دهم:

الف - یکی از نسخه‌های محفوظ در موزه بریتانیا به‌نشان Or. 6303 (ب ۲) که به سال ۱۲۵۳ هـ. ق. به دست کاتبی غیرفارسی‌زبان نوشته شده دارای ۲۰۱ برگ و هر صفحه آن ۱۵ سطر است. قطع این نسخه اندکی ازرقمی بزرگتر است.

ب - نسخه کتابخانه ملی وینه، اتریش ۱۵۵ برگ دارد که هر صفحه آن ۱۷ سطر به‌خط ریز است. کاتب این نسخه نیز فارسی‌زبان نیست و قطع آن مانند نسخه (ب ۲) است. این نسخه را به‌علامت (ش) نشان داده‌ایم.

ج - نسخه پاریس (ب) به‌قطع ۲۶/۵ x ۱۷ سانتی‌متر به‌خط کاتب فارسی‌زبان، ۱۱۱ برگ، هر صفحه ۱۵ سطر. و تازه هیچ کدام از آنها، بلکه هیچ دستنویس آثار عیید نیست که جامع تمام شعرها و رساله‌های نثر وی باشد.

هیچ یک از این نسخه‌ها حاشیه ندارد و آثار نظم و نثر عیید در متن نوشته شده است. برای آن که این نسخه بهتر شناخته شود تصویر سه صفحه از آن را می‌آوریم: نخستین صفحه که رقم کاتب را نیز دربر دارد آخرین صفحه دیوان است که دو سه سطر از پایان رساله دلگشا نیز در آن آمده است.

دوم یکی از صفحات دیوان است از بخش غزلهای عیید.

سوم آخرین صفحه بخش قصاید است با تاریخ کتابت. این صفحات از میان روشن‌ترین و مشخص‌ترین صفحات نسخه انتخاب شده است. نخستین صفحه دیوان چون روشن نبود نقل نشد. با آن که جای بسیاری از آثار عیید در این نسخه خالی است اما بسیار چیزها هم هست که منحصراً در این نسخه آمده و در دیگر نسخه‌ها نیست. صورت این‌گونه مطالب از روی نسخه (ت) یادداشت شده و بدین شرح است: ۱۷ غزل، یک قطعه، ۳ رباعی، پنج رباعی و شش قطعه و تضمین هزل آمیز.

۲- دستنویس موزه بریتانیا (ب ۱)

در موزه بریتانیا چهار دستنویس از آثار عیید زاکانی نگاهداری می‌شود. نخستین و قدیم‌ترین آنها نسخه‌ای است به‌نشان: Or. 11230.

این نسخه به‌قطع ۱۸/۵ x ۱۱/۵ سانتی‌متر و دارای ۱۱۹ برگ است که ۱۱۲ برگ آن محتوی آثار نظم و نثر عیید است. پس از نسخه تاجیکستان قدیم‌ترین نسخه تاریخ‌دار است و به‌رساله صدپند پایان می‌یابد. کاتب در پایان این رساله (ب ۱۱۲) نوشته است:

در عشق تو از جور و جفا نماند بستم
 مرکز زکراتی بها تقد بستم
 و نیز شعبه رکن هوشیست مگر
 جان بخش لعل کبر پشش بگر
 با ناکل غمزه چشم خنجر خارش من
 جز صیبت پالعل شکر بارش بزر
 بدهری آرزو شمع صفا کار مگوی
 جز شکر صلب و مع ز آزار مگوی
 در شعبه خانه چهار بار مجوی
 در روز صبور باش و در هر مطلب
 بشنوز من از حدت زهار مجوی
 با غم بنشینم ز غم و غمخوار مجوی

در عشق تو از جور و جفا نماند بستم
 مرکز زکراتی بها تقد بستم
 و نیز شعبه رکن هوشیست مگر
 جان بخش لعل کبر پشش بگر
 با ناکل غمزه چشم خنجر خارش من
 جز صیبت پالعل شکر بارش بزر
 بدهری آرزو شمع صفا کار مگوی
 جز شکر صلب و مع ز آزار مگوی
 در شعبه خانه چهار بار مجوی
 در روز صبور باش و در هر مطلب
 بشنوز من از حدت زهار مجوی
 با غم بنشینم ز غم و غمخوار مجوی

۲ - آخرین صفحه دیوان با رقم کتاب. آخرین قسمت جاری نام کتاب چون با مرکب سرخ نوشته شده، درست در فیلم و تونکی نگرفته است.

این
 وین
 پاره
 بی
 لاله
 لاله
 می
 خا
 نام

قوی را فتح زانکه داد و دانست
 شرف و است خاکن جناب نو ماوا
 ز زای و مشکل مکت طر
 حامت کند خرقه غفور و قیصر
 درت کوکن عدل را کشت مطلع
 زان مینو تو هر خوشه چیز است
 نازک دانت زین رفعت و قدر
 ز شع جلالت زین شمنت و جاه
 بخیز بر شرفهای ایوان قدرت
 بجز در زوایای درگاه جا بهت
 اگر قدرت نامه بسره مابد
 صد دین مناشود چشم هر کس
 اگر ز نالت برد لشکر از من
 بد نامی و منر حمت ملقب است
 کعب را هر یک و بر وجه یک
 ...

نایاب از کتب خطی کهن و قدیمی است
 که در این کتاب مجموعه اشعار
 از نویسندگان نامدار و با
 ذوق و سلیقه در وصف عید
 و شادمانی مردم در روز
 عید نوشته شده است.
 این کتاب یکی از بهترین
 منابع برای شناختن
 روحیات و باورهای مردم
 در زمانه گذشته است.

دل بر سر جان نهاد فراتر از
 مرجان لبش ساقی جان آرد
 جان بر سر دل نهاد پمانتر از
 یارب تو نگاه دار مرجان را
 که جدم و ماست نادمه اثر
 در غم ضمیمه کند اما بنسخه
 از نقطه و خط و عمل اصحاب نظر
 بر هیچ بقصد غم نباشد کمر
 با زلف تو کراوان زرد شکوه
 شمشاد و قد تو این غمناک را است
 که ز سر و ماه در دنیا زلفت
 بر کمال مجرب نب جان بر وقت
 بر تابدم ز غرض روش او است
 با قوت من خواند و لعل نذر دلمیر
 زرقام ز غمش بهیمیش آوست
 خشن من پیمان که در کوهن آوست

قطعه خطی کهن و قدیمی است
 که در این کتاب مجموعه اشعار
 از نویسندگان نامدار و با
 ذوق و سلیقه در وصف عید
 و شادمانی مردم در روز
 عید نوشته شده است.

این کتاب یکی از بهترین
 منابع برای شناختن
 روحیات و باورهای مردم
 در زمانه گذشته است.

تمّ هذا الكتاب ملك العلماء و الفضلا و البلغا و الشعرا كمال الملة والدین عیید الزاكنی طاب ثوابه فی یوم الاثنین و الثلث من الشوال لسنة سبع و عشر و ثمان مائه (كذا).
پیش از این رساله در پایان رساله دلگشا نوشته است: فی تاریخ شوال ۸۱۷
(۱۰۷ب).

محتویات نسخه بدین شرح است:

۱- ترکیب بند آغاز دیوان که فقط سه بند از آن به طور ناقص آمده است (برگ ۱ الف و ب)؛ ۲- قصاید و مقطعات (۲ الف - ۲۴ ب)؛ ۳- عشاق‌نامه (۲۴ الف - ۴۳ الف)؛ ۴- غزلیات (۴۳ ب - ۶۰ الف)؛ ۵- رباعیات (۶۰ الف - ۶۲ ب)؛ ۶- ترجیع (۶۲ ب - ۶۴ ب)؛ ۷- ترجیع، مثنوی، مقطعات و تضمینات و رباعیات هزل (۶۴ ب - ۷۲ ب). در این جا قسمتی از برگهای نسخه ساقط شده است؛ ۸- ریش‌نامه، که نزدیک یک صفحه از آن جزء افتادگی از میان رفته است (۷۳ الف - ۷۸ ب)؛ ۹- ناسخ و منسوخ (نام دیگر اخلاق الاشراف) (۷۹ الف - ۹۴ ب)؛ ۱۰- رساله دلگشا (۹۵ الف - ۱۰۷ ب) بخش حکایت‌های عربی از رساله حذف شده و حتی در مقدمه نیز اشارتی به حکایت‌های عربی نرفته است؛ ۱۱- رساله صدپند (۱۰۸ الف - ۱۱۲ ب).
این نسخه علاوه بر نداشتن بسیاری از آثار عیید، مطالب را نیز مختصر کرده است. هر صفحه این نسخه ۱۶ سطر و جمعاً کمتر از ۳۶۰۰ سطر مطلب دارد و حال آن که در نسخه کامل آثار عیید فقط قصاید و غزلیات و عشاق‌نامه در حدود ۲۸۲۸ بیت است.

علاوه بر این که کاتب در آوردن تمام بیتها و حتی مطالب مشهور دقت کافی به کار نبرده و آنها را بسیار مختصر کرده، از نظر صحت متن و دقت در تحریر کلمات نیز نمی‌توان بدین نسخه اعتماد کرد و با آن که فقط ده سال از قدیم‌ترین نسخه جدیدتر است اما در مقام تصحیح و مقابله متن چندان فایده‌ای از آن به دست نیامد و به صورت یکی از دستنویسهای فرعی و جنبی از آن استفاده شد. تمام مطالب آن نیز در نسخه‌های دیگر هست و فقط چهار غزل عیید منحصرأ در این نسخه آمده است.

خط دستنویس نسخ خوانا و پخته است و مختصات رسم خط قدیم از قبیل آوردن (ب) و (چ) و (ز) با یک نقطه و (گ) با یک سرکش و دیگر ویژگیهای این گونه نسخ در آن دیده می‌شود. نام کاتب در نسخه نیامده و دستنویس مدتی در تصرف مردی ترک‌زبان بوده و جای‌جای در حواشی آن بیتها و مطالبی به ترکی یادداشت کسره است.

۳- نسخه کتابخانه ملی پاریس (ب)

این نسخه از دستنویسهای قدیم و صحیح و مضبوط بسیار خوب آثار عید است گو این که قسمتی از آثار او را ندارد. نشانه ثبت آن در کتابخانه Supplement persan 824 است و چون از نظر تصحیح آثار عید اهمیت بسیار دارد اندکی به شرح تر در باب آن سخن می‌گوییم. آقای فرانسیس ریشار مسوول بخش کتابهای شرقی آن کتابخانه درباره این دستنویس به‌نویسنده چنین نوشته‌اند:

معلوم نیست این نسخه کی وارد کتابخانه شده است. شماره پیشین نسخه Premier Supplement 163 بود و از آن چنین بر می‌آید که میان سالهای ۱۷۴۰ و ۱۸۵۰ به کتابخانه آمده است. در دفتر نوشته شده که «این دستنویس از سوی «J» آمده است.» و مهر کتابخانه آن است که در دوران ناپلئون اول مورد استفاده بوده، یعنی نسخه مذکور میان سالهای ۱۸۰۱ و ۱۸۱۵ خریداری (یا به کتابخانه اهدا) شده است. به نظر بنده این «J» می‌تواند Edme François Jomard (۱۷۷۹ - ۱۸۶۹) پزشک، جغرافیادان و باستان‌شناس بود که در سفر مصر ناپلئون (۱۷۹۹ - ۱۸۰۱) به‌عنوان «مسوول علمی» شرکت داشت. به هر حال ممکن است بنویسید این نسخه شاید به‌وسیله پزشک مذکور در مصر در زمان جنگ ناپلئون خریداری و پیش از ۱۸۱۵ وارد گنجینه کتابخانه ملی پاریس شده است.»

نسخه‌ای است به‌قطع نسبتاً بزرگ ۱۷ x ۲۷ سانتی‌متر که بخش نوشته آن ۱۱ x ۱۹/۵ سانتی‌متر است. هر صفحه دارای ۱۵ سطر به‌خط شبیه به نستعلیق آغاز قرن نهم، خوانا و درشت و روشن نوشته شده است.

کاتب در سه جا نام خود و تاریخ کتابت نسخه را یاد کرده است:

۱- در پایان عشاق‌نامه بدین شرح: تمت عمل بد تراب أقدام الفقرا تاج بن شیخ محمد بن حاجی محمد بن مسعود الجبلی الرشتی غفر هم الله دینا و دنیا فی یوم الخمیس من شهر محرم الحرام لسنة ۸۳۴ الهجرية المصطفوية.

۲- در پایان اخلاق الاشراف: تمت هذه النسخة البديعه علی يد تاج بن شیخ محمد بن حاجی محمد بن مسعود الجبلی الرشتی غفر هم الله دینا و دنیا یوم الجمعة فی اواخر محرم الحرام لسنة ۸۳۴ الهجرية المصطفوية. در همین مقام بینی از حافظ: «اریاب حاجتیم و زبان سوال نیست / در حضرت کریم تمنا چه حاجت است» و بینی دیگر همراه یک جمله ترکی آمده که نشان می‌دهد این نسخه در تصرف مالکی ترک‌زبان بوده

بخت بعید و وصلت این دولتیم نباشد
 در خواب اگر خیالت پنجم زهی سعاده
 ما راز تک هستی جز فی نمی رماند
 صوغی مباش منکر کز باد نیست باده

ولسه

قصه آن زلفین سرکش کرده ام
 خاخر از سودا مشوش کرده ام
 دره عشقش میان چشم و دل
 مثل اندر آب و آتش
 از وصالش تا طبع بریده ام
 با خیالش وقت خود خوش کرده ام
 از نسیم گلستان تا شبنم
 بوی او شنیده ام غش
 کیش او پذیرفته قریب گشته ام
 تا پنداری که ترکش کرده ام
 از دو و لعلش و زرد و انبر و زرد و چشم
 کرامان جویم غلطشش
 دل طلب کردم ز زلفش پاکب زد
 کای عید اینجا فروکش کرده ام

ولسه

ز کوی یار زمانی گرانه بتوان کرد
 جز آستانه او آشیانه نتوان کرد
 کسی که کعبه جان دید بجان داند
 که سجده گاه جز آن آستانه
 و ابعثوه فردا در انتظار مکش
 چو اعتقاد پیسی بر زمانه
 ترا که گفت که با گشتگان راه غمت
 اشارتی بسر تا زیانه نتوان کرد

است.

۳- در پایان کتاب ده فصل از اختراع عید زاکانی چنین رقم شده است: تسم الكتاب اللغات يوم السبت في اواخر محرم الحرام لسنة اربع و ثلثين و ثمانمائة الهجرية المصطفوية على يد تاج بن شيخ محمد بن حاجي محمد بن مسعود الجبلي الرشتي غفرهم الله دينا و دنيا. در پایان کتاب رقمی به خطی شبیه طغرا و بسیار خوش از مالکی که ظاهراً در قسطنطنیه سکونت داشته آمده است. این رقم قدری محو شده و فقط در پایان آن «قسطنطنیه» به آسانی خوانده می‌شود. آثار عید در برگ ۱۱۱ ب به پایان می‌آید. در برگ ۱۱۲ الف غزل حافظ به مطلع: «زبان خامه ندارد سر بیان فراق...» الخ و غزلی دیگر از شاعری به نام هوایی با ردیف «از فراق» و بیتی فارسی به خط معمول ترکان عثمانی آمده است. روی دیگر این برگ مشحون از یادداشت‌های مختلف، بیتها و قطعه‌های ترکی و دو بیت فارسی و مطالبی به عربی است که تمام صفحه را پر کرده است.

این نسخه از لحاظ روشنی و خوانایی خط و نیز صحت و دقت در میان تمام نسخه‌هایی که دیده‌ام بیمانند و از همه بهتر است. با این حال از خطا و لغزش خالی نیست. ظاهراً کاتب مردی دیرپیشه بوده و از کتابت روزگار می‌گذرانیده چه نوشته‌هایش منظم و مرتب و با فواصل دقیق و پیش‌بینی شده آمده، هر جا در قصیده‌ای دو یا چند کلمه ردیف بوده که باید مرتب تکرار شود، کاتب یک‌بار آن را در آغاز صفحه و یکی دو بار دیگر نیز پس از هر چهار پنج سطر برای کمک به حافظه خواننده می‌نوشته و در باقی سطرها جای آن را خالی می‌گذاشته است. نیز بنا بر رقمهای سه‌گانه او که در یکی تاریخ را به حروف و با کلمات عربی و در دو جای دیگر آن را با اعداد نشان داده، وی در روز پنجشنبه اواخر محرم ۸۳۴ عشاق‌نامه را به پایان آورده، روز دیگر (جمعه) اخلاق الاشراف و روز بعد رساله ریش را رقم زده و کتاب را پایان داده است.

نسخه نسبتاً سالم و بی‌عیب مانده و محتویات آن عبارت است از:

- ۱- ترکیب بند آغاز دیوان که همه نسخه‌های دیوان عید (به استثنای نسخه چاپی و نسخه‌هایی که بخش منظوم را ندارند) با آن آغاز می‌شود (برگهای ۱ب - ۱۳الف)؛ ۲- قصیده‌ها (۱۳الف - ۲۵ب)؛ ۳- ترکیب بند (۲۶الف - ۲۷الف)؛ ۴- مقطعات و غزلها (۲۷الف - ۴۴ب)؛ ۵- در دنباله غزلها: و له تضمیناً (۴۵الف - ۴۸الف)؛ ۶- ایضاً له فی الرباعیات (۴۸الف - ۵۱الف)؛ ۷- ترجیع هزل (۵۱الف - ۵۳ب)؛ ۸- تضمینات و رباعیها و قطعات هزل (۵۳الف - ۵۹الف)؛ ۹- عشاق‌نامه (۵۹ب - ۸۴الف). پایان بخش منظوم؛ ۱۰- اخلاق الاشراف (۸۴ب - ۱۱۰الف)؛ ۱۱- رساله ریش (۱۰۱ب -

۱۰۸ الف)؛ و ۱۲- کتاب ده فصل از اختراع عید زاکانی (۱۰۸ اب - ۱۱۱ اب).

دسترسی بدین نسخه به لطف دوست فاضل آقای فرانسیس ریشار مسؤول بخش دستنویسهای شرقی کتابخانه ملی پاریس برای بنده فراهم آمد و اینک سپاسگزاری از ایشان را وظیفه خود می‌دانم.

در ضمن گروهی از نسخه‌ها هست که یا با نسخه پاریس از یک مأخذ گرفته شده یا از روی این نسخه کتابت شده‌اند و در رأس آنها دستنویس محفوظ در دارالکتب مصر قرار دارد.

۴- دستنویس محفوظ در دارالکتب المصریه (د)

فتوکپی این نسخه به مرحمت آقای پال اسپراکمن (Paul Richard Sprachman) که رساله دکتری خود را در دانشگاه شیکاگو درباره عید زاکانی نوشته‌اند^۲ به دست این ضعیف رسید و با آن که بر اثر برداشته شدن رونوشت‌های متعدد، خط آن چندان روشن نبود، اما با کمک دیگر نسخه‌ها، خاصه نسخه پاریس استفاده از آن به خوبی میسر شد و تشکر از ایشان را واجب می‌بینم. اندازه نسخه ۱۳ X ۲۱ سانتی‌متر، طول و عرض بخش نوشته ۸ X ۱۶/۵ سانتی‌متر است و در هر صفحه شانزده سطر به خط نسخ درشت روشن نوشته شده و چون کاتب بیشتر غزلها و قصیده‌ها را چپ و راست نوشته هر بیت دو سطر را گرفته است. در نتیجه با آن که نسخه به نوشته کتابدار و ثبت‌کننده آن دارای ۱۳۳ برگ است مطالب آن چندان زیاد نیست و مندرجات آن بدین شرح است:

- ۱- ترکیب بند آغازین در حمد خدا و نعمت رسول (ص) و خلفای راشدین. این ترکیب بند با جمله «به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر» آغاز می‌شود (اب - ۴ الف)؛ ۲-
- قصیده‌ها (۴ الف - ۴۱ الف) این بخش درست مانند نسخه پاریس با قصیده «تَجَلَّتْ مِنْ سَمَواتِ الامانی...» آغاز شده و تا پایان قصاید به دقت با آن مطابقت می‌کند؛ ۳-
- ترکیب بند (۴۱ الف - ۴۳ الف)؛ ۴- مقطعات (۴۳ الف - ۵۴ الف)؛ ۵- الغزلیات (۵۴ ب - ۷۲ الف)؛ ۶- ایضاً له فی الرباعیات (۷۲ الف - ۷۷ الف) این عنوان نیز عیناً مانند نظیر آن در نسخه پاریس است؛ ۷- ترجیع هزل (۷۵ الف - ۷۷ الف)؛ ۸- وله تضمیناً
- قطعات و رباعیهای هزل (۷۷ الف - ۸۱ الف)؛ ۹- عشاق‌نامه (۸۱ ب - ۱۰۴ اب)، و ۱۰-
- رساله ریش - در نسخه پاریس پیش از این رساله، اخلاق الاشراف آمده است. در این مقام هم مقداری افتادگی در نظر می‌آید چه پس از عشاق‌نامه (در فتوکپی صاحب این

در دهنش هفتصد کبک از عمارتی برآورددم بود خاطر کرد بر رفت
 عرض آن بزد کین ایات دینوز برستی در این اشد کئی رود
 مگر کز سوز دل روزی بجایتی کین صاحب دختا بر من در بیانی
 بختک چن بدین سوزی کما مگر کایع او کرد در روزی من
 چه کتبه کردم از سیر بر خامه نهادم نام این عشاق نامه
 سخن سازان که دل بر نور دارند من دیوانه را معذور دارند
 جریتم چون برآوردن دل و بوی کین خواجده کردن او را جاب
 دلی بر درد و محنتی خفته دارم داغی همچو دل از کشته دارم
 زادا خادان معنی نبویند داغ آینه تکان از کشته کویند
 کنون درت است اگر ز نا بهیم سوتی خاموش کشتن ز کبیر
 کس ایاتی در در ز مباد چنین کار کس شکل مباد

بیت عشاق نامه بر الله عزوجل الصلوة والسلام

علی مبدنا حروالطیبین العظامین

والصحابه اجمعین فی الخامس عشر

رجب سنه ولبس وبعناه ۷۳۰

لمدی العبد المذنب

شانه

۶ - نمونه نسخه دارالکتب المصریه (د). آخرین صفحه «عشاق نامه» با تاریخ جعلی در پایان آن.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

قلم) چند برگ پراکنده دیگر آمده که یکی از آنها مکرر است و در هر حال مربوط به این بخش نیست. یک برگ نیز شماره کتاب در دارالکتب «ادب فارسی ۹۳» و نیز عنوان کتاب را دارد که میان جدول کتاب در دایره‌ای بدین شرح نوشته شده: هذا دیوان مولانا صاحب اعظم نظام‌الملک والدین و اختیار الملوک و السلاطین عیدالزاکانی القزونی رحمة الله علیه. از آن پس رساله ریش بر روی برگهای ۱۲۷ب و ۱۲۸ الف آغاز می‌شود. سه برگ و یک روی این رساله به خط کاتب اصلی نوشته شده و باقی آن (از برگ ۱۳۱ الف تا پایان ۱۳۳ب) به خط کاتبی دیگر، ریزتر و در هر صفحه ۲۴ سطر به عرض ۹ سانتی‌متر بدان الحاق شده است. در پایان نسخه نیز کتابدار تعداد برگهای آن را ۱۳۳ نوشته است. اما گفتیم که باید رساله اخلاق الاشراف — یک جا — از آن سقط شده باشد چه این تنها تفاوتی است که این نسخه از نظر نگارش با نسخه پاریس دارد و نشان افتادگی نیز در میان عشاق نامه و رساله ریش مشهود است.

نکته مهم دیگر این است که در پایان عشاق نامه رقمی از کاتب بدین شرح دیده می‌شود: «تمت عشاق نامه بحمدالله عز وجل والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین.» تا این جا مطلب به خط کاتب اصلی نوشته شده اما از پی آن چنین آمده است: «واصحابه اجمعین فی الخامس عشر رجب سنة ست و ثلثین و سبعمائه علی یدی العبد محمد بن محمد (یک کلمه که ظاهراً لقب کاتب یا نسبت اوست ناخواناست) اصلح الله شأنه و برای آن که این تاریخ را ششم می‌خند کند با رقم نیز کنار آن نوشته است: ۷۳۰۶ — که به رسم قدیم ۷۳۶ یعنی همان رقمی که به حروف نیز نوشته شده خوانده می‌شود.

منتهی جاعل بینوا بسیار بدجایی را برای این رقم جعلی برگزیده است. چه در یک برگ پیش (صفحه ۱۰۳ الف) در پایان صفحه در ذیل این عنوان: «در خاتمه عشاق نامه» بیت اول — به خط کاتب اصلی — چنین آمده است:

به بهتر طالع و فرخنده‌تر قال دوم روز از رجب در نون الف ذال
 به نظم آوردم این درد دل ریش به هر کس باز گفتم قصه خویش
 نون الف ذال به حساب ابجد مساوی ۷۵۱ است. در بسیاری نسخه‌ها از جمله نسخه کتابخانه حمیدیّه در ترکیه بیت به همین صورت است و در بعضی نسخه‌های دیگر (مانند دستنویس متعلق به دکتر اصغر مهدوی بدین شکل آمده:

به بهتر طالع و فرخنده‌تر قال ز هجرت هفصد و پنجاه و یک سال
 تاریخ نخستین دقیق‌تر است چه روز دوم رجب را نیز به دست می‌دهد و چون شاعر

گفته که این منظومه هفتصد بیتی را در دو هفته سروده، می‌توان تاریخ آن را که در نیمه دوم ماه ربیع‌الثانی است نیز به دست آورد و در هر حال در هر نسخه از دستنویسها که عشاق‌نامه وجود دارد تاریخ ۷۵۱ به یکی از این دو صورت آمده است و حال آن که جاعل بیچاره آن را در پانزدهم رجب ۷۳۶ — چند روزی کمتر از پانزده سال پیش از سروده شدن — در این نسخه کتابت کرده است! تصویر این صفحه و رقم کاتب را برای ملاحظه خوانندگان نقل می‌کنیم.

حق به دست شادروان استاد مجتبی مینوی بود که فرموده بود جاعلان و مزوران برای کار خود هیچ حد و مرزی را رعایت نمی‌کنند. این نسخه خود به همان قدمت نسخه پاریس یا چند سالی جدیدتر از آن و به نظر بنده متعلق به نیمه اول قرن نهم است و برای نشان دادن قدمت آن هیچ نیازی به جعل و تزویر نبوده است.

۵ — دستنویس متعلق به آقای دکتر اصغر مهدوی (م)

در نوروز سال ۱۳۳۷ خورشیدی شادروان دکتر مهدوی بیانی استاد دانشگاه تهران و رئیس کتابخانه‌های ملی و سلطنتی که کتابشناسی صاحب‌نظر و خط‌شناسی خیره بود و خود نیز از هنر خوشنویسی بهره کافی داشت این نسخه را دیده و به خط زیبای خود یادداشتی در آغاز کتاب نوشته‌اند. نقل این یادداشت ما را یکسره از تحقیقات نسخه‌شناسی بی‌نیاز می‌کند. از این روی آن را عیناً در ذیل می‌آوریم:

کلیات عیید زاکانی: قطع وزیری کوچک - دارای ۳۴۰ صفحه - کاغذ دولت‌آبادی جدول زرین‌دار - هر صفحه ۱۵ سطر - دارای ۱۲ سرفصل و یک سرلوح مذهب مرصع زیبا - خط نستعلیق کتابت متوسط - سرفصلها به قلم رقاع خوش به سفیدآب و عناوین به قلم نستعلیق نیمه‌دانگ به زر و لاجورد نوشته شده است. صحافی و وصالی و جلد تیماج زرد ساده آن جدید است.

از اول اقلأ یک ورق و از میانه در دو موضع اقلأ دو ورق و از آخر مقداری ساقط دارد.

بدون رقم و تاریخ تحریر، ظاهراً در متصف قرن نهم یعنی در حدود یک صد سال پس از مرگ عیید کتابت شده است.

نسخه چنین تقسیم شده است:

۱ - دیوان اشعار مشتمل بر: الف: قصاید و مقطعات، از صفحه ۱ تا

ز غرضی مرا نجا از چند جهان	سر شد خط در او راه مردن مرا
<p>بسم الله الرحمن الرحیم</p>	
<p>مرا ز وصای تو خاصان بجز من است جو مار غمد تو بچسب دور خاطر من است بسی کفایت ای دوست مرا ی هزار بویه ز لب و عده لاده چو بود در روح تو خاطری نریز ز بی باقیان بر سر ما اوزان بطن کن کنی که در رخ داری جان</p>	<p>ایا از لذت تو بختان سودا جواب داد که در این ساعت با ما دین بشرم زد بسته سماه لیدی و مرا زمره تقاضا ز کار بو العجب سیاه در پرده ذاب جسم و کتاب جگر عیاد کلو کوی خدارا بنیدار نهاده</p>
<p>بسم الله الرحمن الرحیم</p>	
<p>لعل تو شبینش چو خندان شود فدا او مرا که از جولان مسکین پر خور و زینش جو می تا بد زود فتنه زلفش کنکوم کس من نه تنها می سوم جسم دان او</p>	<p>در جهان شری از زان شود کویا سره ی جنب امان شود اثاب از شرم مهیا شود ز آنکه خاطر پارکین شود مر که او را دیده تیر آن میشود</p>

۷ - نمونه نسخه متعلق به آقای اصغر مهدوی (م)

۹۱؛ ب؛ غزلیات از صفحه ۹۱ تا ۱۱۸؛ ج؛ رباعیات از صفحه ۱۱۸ تا ۱۲۷؛ د؛
ترجیعات از صفحه ۱۲۷ تا ۱۳۱ (از آخر ساقط)؛ هـ؛ هجویات از صفحه ۱۳۱
تا ۱۳۶ (از اول ساقط)؛ ۲- مثنوی عشاقنامه، از صفحه ۱۳۶ تا ۱۷۸ (از
آخر ساقط)؛ ۳- رساله ده فصل، از صفحه ۱۷۸ تا ۱۸۷؛ ۴- رساله اخلاق
الاشرف از صفحه ۱۸۸ تا ۲۳۰؛ ۵- رساله ریشنامه از صفحه ۲۳۰ تا ۲۴۳
(از آخر ساقط)؛ ۶- رساله دلگشای از صفحه ۲۴۳ تا ۲۹۰ (از اول ساقط)؛
۷- رساله صدپند از صفحه ۲۹۰ تا ۳۰۰؛ ۸- رساله فالنامه بروج از صفحه
۳۰۰ تا ۳۲۴؛ ۹- منظومه فالنامه طیور از صفحه ۳۲۴ تا ۳۳۰؛ ۱۰- منظومه
فالنامه وحوش از صفحه ۳۳۰ تا ۳۳۸؛ ۱۱- منظومه قصه موش و گربه از
صفحه ۳۳۸ تا ۳۴۰.

این نسخه با این که سقطاتی دارد و متأسفانه از منظومه موش و گربه
بیش از سه صفحه ندارد، همین چهل بیت موجود حاضر از نفایس اشعار
فارسیست و نسخه علاوه بر این که به خطی خوش نوشته و تذهیبات زیبا
دارد یکی از اقدم نسخ موجود آثار کلی عید است. به مالک دانشمند
کتابشناس آن آقای دکتر اصغر مهدوی مبارک باشد. نوروز سال ۱۳۳۷.
مهدی بیانی.

افتادگی آغاز کتاب را که شادروان دکتر بیانی «اقلاً یک ورق» تشخیص فرموده
مربوط به متن دیوان نیست. کاتب یا گردآورنده نسخه ترجمه حالی از عید نوشته بوده و
آن را در آغاز کتاب آورده و سقط در آن ترجمه روی داده و مختصری از آن بازمانده
(نزدیک به دو سوم صفحه) و همین مختصر پایه و مایه نویسنده را به خوبی روشن
می کند:

... فی اوانه نجم الدین عید زاکانی که از وحید عصر و اکابر دهر بود و در
هر فنی از فنون حظی وافر داشت و به کمال استعداد از اقران و اکفای خود
ممتاز بود. خواست که خود را منظور نظر صاحب‌دلان گرداند و آن را
بی وسیله سخنهای دلربای که هر یک به حقیقت درّی شاهوار است یا
عروسی پر زور و نگار، میسر و مهیا نمی گردد. از این جهت دیوانی در
تاریخ ذال و نون و الف به سلک عبارت آورد و امیدوار آن که بزرگان دین و
اکابر یقین آن را به نظر ارادت ملحوظ فرمایند و اگر سهوی یا زللی در آن
یابند، بعد از تصحیح قلم عفو بر صفحه او کشیده او را عذر بنهند.

از همین اندک مایه عبارتی که از گردآورنده کتاب یا کاتب آن در مقدمه دستنویس باقی مانده، پیداست که وی در ادب و حتی در زبان فارسی بیضاعتی نداشته و انشاء او بیشتر به نوشته‌های عصر انحطاط زبان می‌ماند.

استاد شادروان مجتبی مینوی در گفتاری که زیر عنوان «قصه موش و گربه منظوم» در مجله یغما انتشار داده^۲ درباره این نسخه چنین نوشته است:

... در طهران با صدیق دانشمند خود آقای دکتر اصغر مهدوی بحث از این کتاب (موش و گربه) می‌کردیم، فرمود که در کتابخانه ما نسخه‌ای از کلیات عید هست که جدید نیست و سه صفحه از موش و گربه هم دارد. آورد و دیدیم و چنین تشخیص دادیم که در حدود نهصد تا نهصد و پنجاه هجری کتابت شده است...

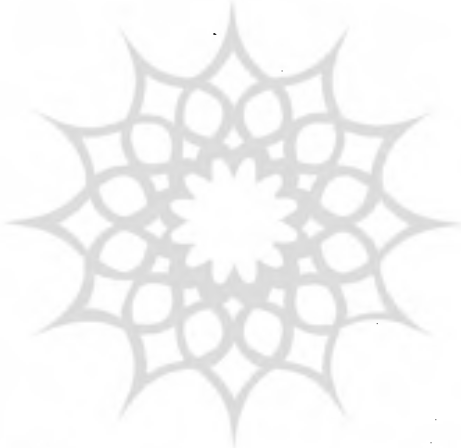
بنده از این نسخه چیزی جز یک فتوکپی (که آن نیز از روی فتوکپی‌های دیگر گرفته شده و چندان روشن نیست و فالنامه‌ها و موش و گربه را هم ندارد) و چند صفحه عکس فالنامه‌های بروج و وحوش و طیور در دست ندارم. علاوه بر این دارای بصیرت کافی در نسخه‌شناسی هم نیستم تا درباره اظهار نظر مرد دانشمندی مانند مرحوم مینوی سخنی بگویم. اما از شیوه کتابت و تکامل و زیبایی خط نستعلیق آن اظهار نظر شادروان مینوی را خوش بینانه می‌بینم. اقتضای مقام در آن گفتار نیز همین بوده است که آن بزرگمرد تاریخ کتابت نسخه را تا حد مقدور عقب‌تر ببرد و آن را قدیمتر فرض کند تا قدمت نسخه موش و گربه نیز بیشتر شود. آنچه از مجموع این مقدمات و بدون دیدن اصل دستنویس به نظر بنده می‌رسد آن است که نسخه زودتر از نیمه دوم قرن دهم (نهصد و پنجاه تا هزار) کتابت نشده و با توجه به شیوه خط و دقت در اصل نسخه شاید بتوان آن را به آغاز قرن یازدهم نسبت داد و این مطلب چندان مایه شگفتی نیست چه مردی خیر و بصیر مانند شادروان دکتر مهدی بیانی کتابت آن را «در حدود منتصف قرن نهم» یعنی حدود ۸۵۰ هجری دانسته و اگر این نسخه را با نسخه پاریس که بی‌هیچ شبهه در ۸۳۴ یعنی ۱۶ سال پیش از تاریخ فرضی مرحوم دکتر بیانی کتابت شده بسنجیم یقین خواهیم کرد که نسخه دکتر مهدوی حتماً بیش از صد سال پس از نسخه پاریس نوشته شده است. نمونه‌ای از این نسخه و نسخه پاریس را نیز در این گفتار به دست داده‌ایم تا خواننده خود نیز بتواند در این امر داوری کند.

اگر در معرفی این دستنویس و کنجکاوی درباره تاریخ کتابت آن اندک تفصیلی رفت از آن روی بود که بعضی بخشهای آثار عید مانند موش و گربه و فالنامه بروج و

طیور منحصراً در این نسخه آمده و فقط فالنامه و حوش به صورتی ناقص‌تر در نسخه‌ای دیگر، محفوظ در موزه بریتانیا آمده است و در جای خود به عرض خواهم رساند که بنده انتساب این فالنامه‌ها و نیز رساله‌های دیگر موسوم به کتز اللطایف را به عید زاکانی قطعی و مطمئن نمی‌دانم و در آن تأمل دارم و جدید بودن نسخه خود قرینه‌ای است بر الحاقی بودن این گونه مطالب.

و اسپین نکته قابل تأمل درباره این دستنویس آن است که ضبط آن در بیشتر موارد با دستنویسهای پاریس و دارالکتب همانند است، گو این که بسیاری مطالب این نسخه در نسخه‌های مصر و پاریس وجود ندارد.

لوس انجلس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مهر
طبر
دیگر
انت
قطر
الدر
بانه
دره